

نگاهی به کتاب الگوهای فیلمنامه نویسی

مطالعه تطبیقی ساختار روایی در نظریه های فیلمنامه نویسی

سمیه نجفی

پژوهش و تالیف: مرتضی شاپوری

سال انتشار: ۱۴۰۱

ناشر: نشر عمیق



نویسنده در این کتاب با رویکردی

تطبیقی مهم ترین نظریه های فیلمنامه نویسی را از نظر ساختاری و کیفی مورد تحلیل و توصیف قرار می دهد و کمک می کند تا منتقدین و نویسندگان در حوزه فیلمنامه نویسی و تحلیل فیلم به مثابه متن، با رویکرد مشخص و ساختارمندتری به نگارش و یا بررسی آثار سینمایی بپردازند

آن مک کی نگاهی متفاوت به ساختار، سبک و اصول فیلمنامه نویسی دارد. در این قسمت خواننده با انواع ساختار روایی - شاه پیرنگ، خرده پیرنگ، ضد پیرنگ - ژانرهای سینمایی، شخصیت، قهرمان، کشمکش، عناصر داستان، طراحی پرده و دیالوگ نویسی از منظر مک کی آشنا می شود. نویسنده مهم ترین شیوه روایت گری در الگوی جست و جورا در هم تنیدگی ساختار، داستان و شخصیت بیان می کند چرا که به عقیده رابرت مک کی؛ ساختار همان شخصیت و شخصیت همان ساختار است. چهارمین نظریه پرداز جان تروبی است که الگوی بیست و دو گام سازنده تمام ارگانیک خود را در مقابل الگوی میکانیکی ساختار سه پرده ای قرار داده است. در الگوی جان تروبی داستان از آغاز تا پایان هفت گام طی می کند و پس از آن در ۲۲ مرحله قوام می یابد که مربوط به میانه داستان است.

نگاه جان تروبی مانند کریستوفر ووگلر به فیلمنامه نویسی شخصیت محور است، با این تفاوت که در الگوی او فقط یک شخصیت برجسته نمی شود بلکه شبکه ای از شخصیت ها نمود پیدا کرده و نقش آنها را در ساختار روایی بررسی می کند. نویسنده در هر نظریه مراحل ساختاری هر الگو را به صورت تفکیک شده با رسم نمودار و جدول، به روشنی نشان داده است.

در فصل سوم کتاب، چهار ساختار روایی که در فصل دوم به آن پرداخت شده بود، مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. از این رو در ابتدا شش عنصر مهم در روایت گری، پیرنگ، نقاط عطف، درون مایه، شخصیت، تحول شخصیت و همذات پنداری در هر چهار نظریه در تطبیق با یکدیگر قرار می گیرد تا مشخص شود ساختار روایی در این چهار الگو از چه جنبه های دارای شباهت و یا در تمایز با یکدیگر هستند.

در پایان این فصل، دو مبحث تطبیقی، عناصر داستان و مراحل ساختار روایی نظریه ها در تناظر یکدیگر در دو جدول مجزا به صورت مشخص بیان شده است.

نویسنده در پایان یافته های خود را با این صورت بندی عنوان می کند که که شیوه روایت در هر چهار نظریه قابل انطباق با ساختار سه پرده ای است و شیوه روایت متداول در سینما، همان شیوه شاه پیرنگ از نگاه مک کی است. همچنین وجه های تمایزی در این چهار الگو در شیوه نگارش به روایت وجود دارد، مثلاً در یک الگو تمرکز بیش تر بر شخصیت، و در الگوی دیگر، تمرکز بیشتر بر ماجراست و یا استفاده های نحوی از نقاط عطف، میزان تاکید فیلمنامه نویس بر تحول و تغییر شخصیت در هر الگو متفاوت است.

که اولین نظریه پرداز و پایه گذار در نگارش ساختارمند و الگو پذیر در فیلمنامه نویسی جهان است. در این قسمت الگوی ساختار سه پرده ای سید فیلد و الگوی زمانی او در هر پرده از ساختار روایت عنوان می شود، و مولفه های چون؛ شخصیت، کشمکش، گفتگو در روایت شناسی از منظر سید فیلد بررسی می شود.

دومین نظریه پرداز کریستوفر ووگلر است که الگوی سفر قهرمان را مبتنی بر کتاب هزار چهره از جوزف کمبل و نظریه روان شناسی کارل گوستاو یونگ شکل داده است. نویسنده الگوی دوازده مرحله ای سفر قهرمان را با محوریت شخصیت تشریح می کند و به معرفی کهن الگوهایی از یونگ می پردازد که با این ساختار روایی ارتباط تنگاتنگی دارند.

سومین نظریه پرداز رابرت مک کی با الگوی جست و جو و کتاب پر سر و صدایش داستان است. کتابی که در

کتاب «الگوهای فیلمنامه نویسی - مطالعه تطبیقی ساختار روایی در نظریه های فیلمنامه نویسی» اثری است به تالیف مرتضی شاپوری که در سال ۱۴۰۱ توسط نشر عمیق انتشار یافته است. این کتاب که در ۱۴۵ صفحه و در ۳ فصل نگاشته است، از همان ابتدا با مصور کردن تصویر چهار نظریه پرداز مهم در فیلمنامه نویسی جهان بر روی جلد، برای خواننده مشخص می کند که قرار است با چه موضوعاتی در کتاب روبرو باشد.

نویسنده در این کتاب با رویکردی تطبیقی مهم ترین نظریه های فیلمنامه نویسی را از نظر ساختاری و کیفی مورد تحلیل و توصیف قرار می دهد و کمک می کند تا منتقدین و نویسندگان در حوزه فیلمنامه نویسی و تحلیل فیلم به مثابه متن، با رویکرد مشخص و ساختارمندتری به نگارش و یا بررسی آثار سینمایی بپردازند. او در این کتاب می کوشد با توضیح، تطبیق و جمع بندی چهار الگوی روایی از نظریه پردازانی چون؛ سید فیلد، کریستوفر ووگلر، رابرت مک کی و جان تروبی، به شکل و شمایل ساده و قابل فهمی از این نظریه ها دست یابد و باب مکاشفه را برای شناخت و درک صحیح این نظریه ها بر مبنای ساختار سه پرده ای درام از نظر ارسطو بازمی کند تا از این رهگذر به این مهم دست یابد که در هر نظریه تا کید و تمرکز روی کدام مولفه ها و با چه رویکردی است.

نگاهی به فصل های کتاب

همان طور که در فصل اول پیش در آمدی از تاریخ فیلمنامه نویسی را در گذر تحولات صنعتی سینما به دست می دهد و در ادامه با التزام بر ساختار سه پرده ای الگوی درام ارسطویی مباحث خود را شرح و بسط می دهد. در فصل دوم، نویسنده کتاب مستقیماً به سراغ این چهار نظریه پرداز بزرگ سینمایی می رود که سینمای جهان را در قرن بیست و بیست و یک کاملاً تحت تاثیر خویش قرار داده اند. ترتیب پرداختن به این نظریه پردازان صرفاً با اولویت تقدم و تاخیری است که آنها در سیر شکل گیری مباحث نظری در باب فیلمنامه نویسی داشته اند. به همین دلیل در ابتدای فصل دوم، نویسنده کتاب به توضیح و تبیین الگوی پیرنگ محور از منظر سید فیلد می پردازد؛